

درس سوم

آموزش قواعد

مفعول مطلق و مفعول فيه

* مفعول مطلق: مصدری است منصوب، از جنس فعل جمله یا هم معنی با آن که جهت تأکید بر وقوع فعل یا بیان نوع وقوع فعل یا تعداد دفعات وقوع فعل به کار می‌رود. بنابراین دارای انواع زیر است:

۱- مفعول مطلق تأکیدی

اگر مصدر منصوب فعل جمله، به تنهایی و بدون مضاف‌الیه یا صفت در جمله به کار رود به آن مفعول مطلق تأکیدی می‌گویند. کاربرد مفعول مطلق تأکیدی، رفع شک شنونده است.

أستغفر الله إستغفاراً.

مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

جاهدوا فی سبیل الله مجاهدَةً (جهاداً).

مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

اصبر فی سبیل الحق صبراً.

اللهم وفقنا لرعاية حقوق ذی الحق توفيقاً.

ابتسمت أُمی فی وجهی إبتساماً ففرحت من ذلك.

كَأَنَّ شِبَابَنَا أَسْوَدَ هَاجَمُوا الْعَدُوَّ مَهَاجِمَةً.
من يُطع الله ورسوله إِبَاعَةً، ينجح فی الدنيا و الآخرة.
تكلّمت مع طالباتی حول النَّصِّ تكلّماً.

نکته ۱

در ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی از کلماتی مانند «قطعاً، بدون شک، حتماً، کاملاً و ...» استفاده می‌شود.
- کلم الله موسی تکلیماً: خدا یا موسی قطعاً سخن گفت.
- اذکرو الله ذکرًا: خدا را حتماً یاد کنید.

تست

«نَزَلَ اللهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً» تقول هذه العبارة لمن ...

(۱) يشك في وقوع الفعل.

(۳) يريد كيفية وقوع الفعل.

پاسخ: گزینه‌ی (۱)

با توجه به مفعول مطلق تأکیدی بودن «تنزیلاً»

(۲) يجهل زمن وقوع الفعل.

(۴) يسأل سبب وقوع الفعل.

۲- مفعول مطلق نوعی (بیانی)

اگر مصدر منصوب فعل جمله، همراه با مضاف‌الیه یا صفت به کار رود به آن مفعول مطلق نوعی می‌گویند.

كَانَ النَّبِيُّ يَجْلِسُ إِلَى الطَّعَامِ جُلُوسَ الْعَبْدِ.

مفعول مطلق نوعی و منصوب مضاف‌الیه و مجرور

من يطع الله ورسوله فقد فاز فوزاً عظيماً.

مفعول مطلق نوعی و منصوب صفت و منصوب

قرأت آيات من القرآن قراءةً تؤثر في القلب.

مفعول مطلق نوعی جمله‌ی وصفیه

البرُّ أن تعمل في السرِّ عملَ العَلَانِيَةِ.

مضاف‌الیه و مجرور

ابتسم النبي لهم إبتسامَةً الأب الحنون.

أحسِن إْحْسَانٍ مَنْ يَعْرِفُ أَنَّ اللهَ مَجَازِيهِ.

علينا أن نحترم الاولادَ إْحْتِرَاماً يأخذون منه الدرس.

أكمل الله لنا ديننا إِكْمَالاً حَقِيقِيّاً برسولنا.

نکته ۲

در ترجمه‌ی مفعول مطلق نوعی از کلمات «همچون ...، مانند ...، به نیکی، بسیار، سخت و ...» استفاده می‌کنیم.

- اصبر صبراً جميلاً: به نیکی صبر کن.

- كان النبي (ص) يجلس على الطعام جلوسَ العبد: پیامبر (ص) برای غذا همچون بنده می‌نشست.

نکته ۳

گاهی اوقات مصدر فعل جمله در مفعول مطلق نوعی حذف می‌شود و صفت آن به تنهایی به کار می‌رود. در این حالت به آن صفت، **صفت جانشین مفعول مطلق** می‌گویند.

– اذکروا الله **کثیراً** ← در اصل: اذکروا الله **ذکراً کثیراً**.

– تعجبت کثیراً ← در اصل: تعجبت **تعجباً کثیراً**.

– لا يستطيع الانسان أن يغوص في البحر **اكثر** من عشرين متراً ← در اصل: ... أن يغوص في البحر **غوصاً** أكثر ...

نکته ۴

گاهی اوقات فعل جمله حذف می‌شود و مصدر جمله به تنهایی به کار می‌رود. در این حالت کلمات زیر نیز مفعول مطلق هستند به شرط آن‌که نقش دیگری در جمله نداشته باشند: «**حقاً، جداً، أيضاً، شكراً، صبراً، مهلاً، عفواً، شكراً لله، حمداً لله، سبحان الله، معاذ الله، سمعاً و طاعة و ...**» (برای پیداکردن مفعول مطلق ابتدا به سراغ مصدرهای فعل‌های جمله می‌رویم و سپس مصدرهای منصوب فوق را به شرط این‌که نقش دیگری نداشته باشند مشخص می‌کنیم.)

تمرین

در کدام یک از جمله‌های زیر مفعول مطلق به‌کار رفته است؟

۱- إنَّ في ذلك **حقاً**.

۲- أنتَ أخی **حقاً**.

۳- لماذا تأخرت يا مريم؟ - **عفواً**.

۴- ماذا تفعل عندما تندم؟ - أطلب **عفواً**.

۵- كيف حالک؟ - **شكراً لله**.

۶- كان عملک **شكراً لله**.

△ جواب:

– در عبارت (۱)، «حقاً» اسم موخر **إنَّ** است و در عبارت (۲)، «حقاً» با توجه به این‌که نقشی از نقش‌های اصلی جمله را ندارد، مفعول مطلق است.

– در عبارت (۳)، «عفواً» مفعول مطلق است و در عبارت (۴)، «عفواً» مفعول به و منصوب است.

– در عبارت (۵)، «شکراً لله» مفعول مطلق است و در عبارت (۶)، «شکراً» خبر **كانَ** و منصوب است.

تست

عین المفعول المطلق:

(۱) يجب علينا أن نبتعد عن اليأس و القنوط **جداً!**

(۲) انَّ القرآنَ يطالب أبناء البشر بالتفکر **جميعاً!**

(۳) من يعتمد على نفسه يجب أن لا يخاف **خطراً!**

(۴) انَّ الله يُذل كل جبار من أحفاد الشيطان **منذراً!**

پاسخ: گزینه‌ی (۱)

در این گزینه «جداً» مفعول مطلق است.

نکته ۵

اگر جمله‌ای با مصدر منصوب شروع شود، آن مصدر منصوب حتماً، مفعول مطلق است.

– **صبراً** في مجال التعليم. – **شكراً** كثيراً على تكريم الشهداء يا ذوی المعرفة!

تست

عین ما فيه المفعول المطلق:

(۱) لقمه تناولت ثم خرجت **سريعاً!**

(۲) اجتناباً عن السيئات؛ يا ابنتي العزيزة!

(۳) جالسا تكلمت ثم قمت و ذهبت!

(۴) مبتسماً تكلمت مع زميلي حتى يعود!

پاسخ: گزینه‌ی (۲)

«اجتناباً» مصدر منصوب است ولی سایر کلمه‌ها (لقمه، جالسا، مبتسماً) مصدر نیستند پس مفعول مطلق هم نیستند.

❖ مفعول‌فیه: اسمی است منصوب که زمان وقوع فعل یا مکان وقوع فعل را نشان می‌دهد. اگر زمان وقوع فعل را مشخص کند به آن ظرف زمان و اگر مکان وقوع را مشخص کند به آن، ظرف مکان می‌گویند. (اسامی مانند «یوم، صباح، قبل، بعد، لیل، نهار، فوق، أمام، أثناء، وراء، عند، تحت و...») سبَّح بحمد ربِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ. نَذِهُبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ صَبَاحًا.
الکتابُ فَوْقَ الْمَنضَدَةِ. بَعْدَ تَرَکِ الْحَرَصِ سَتَكُونُ مَعِيشَتُکَ رَاحَةً.
مَا أَبْصَرَ الشَّبَابَ وَ أَسْمَعَهُمْ أَيَّامَ الْکِفَاحِ ضَدَّ الْعَدُوِّ. صَلَّيْتُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فِي مَصَلَّى الْمَدِينَةِ.

نکته ۶

در معنا و مفهوم مفعول‌فیه یک حرف «فی» به معنای «در» وجود دارد.

تمرین

در کدام عبارت‌ها مفعول‌فیه به کار رفته است؟

- ۱- اليوم اکملت لكم دينکم.
 - ۲- يوم الجمعة يوم مبارک.
 - ۳- خلق الله الليل والنهار.
 - ۴- دعوت قومي ليلاً ونهاراً.
 - ۵- نحب كلنا يوم الجمعة.
 - ۶- مضت هذه الايام و وصلنا الى نهايتها.
- 🔺 جواب: در عبارت (۱) و (۴) کلمات «اليوم» و «ليلاً» مفعول‌فیه هستند ولی در عبارت (۲)، «يوم» به ترتیب مبتدا و خبر، در عبارت (۳)، «الليل» مفعول‌به، در عبارت (۵)، «يوم» مفعول‌به و در عبارت (۶)، «هذه» فاعل و محلاً مرفوع است.

نکته ۷

اگر قبل از اسامی فوق، حرف جرّ قرار بگیرد مفعول‌فیه نیستند بلکه جار و مجرور هستند.

نَذِهُبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي الصَّبَاحِ.

جار و مجرور

نکته ۸

کلمات «أَيْنَ، مَتَى، إِذَا، أَيْنَمَا» اگر قبلشان حرف جرّ نیامده باشد، مفعول‌فیه و محلاً منصوب هستند.

تست

- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ فِيهِ:
- ۱) اليوم اكملت لكم دينکم.
 - ۲) اذا جاءت الحسنات تذهب السيئات.
 - ۳) أينما تذهب تجد النصر للحق.
 - ۴) اليوم يوم يرزقنا الله فيه نعماً كثيرة.
- پاسخ: گزینه‌ی (۴)
- کلمات «اليوم»، «اذا» و «أينما» مفعول‌فیه هستند. ولی در گزینه‌ی (۴) «اليوم» مبتدا و «يوم» خبر است.

نکته ۹

اگر پس از کلمات «كُلٌّ»، «بعض» و اسامی اشاره، کلماتی بیاید که به زمان یا مکان مربوط باشد این اسامی مفعول‌فیه خواهند بود، به شرط آن‌که در مفهومشان حرف «در» وجود داشته باشد.

- البحرُ هادئٌ هذه الايام: دریا در این روزها آرام است.

- كل اسبوع نذهب لزيارة جدنا: در هر هفته به زیارت پدر بزرگمان می‌رویم.

نکته ۱۰

برخی ظرف‌ها مانند «عند» بین زمان و مکان مشترک هستند که تنها از معنا و در جمله قابل تشخیص هستند.

جلست عند العالم.

ظرف مکان

وصلت عند غروب الشمس.

ظرف زمان

نست

عَبَّيْنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي تَعَيَّنَ مَكَانَ وَقَوْعِ الْفِعْلِ:
 (۱) هو الذي ارسل رسوله بالهدى.

(۳) طلب الطفل من أمه ان تجلس عنده.

پاسخ: گزینه‌ی (۳)

مفعول فيه و ظرف مکان است. دقت کنید که در گزینه‌ی (۲) «اذا» ظرف زمان است.

(۲) اذا تمّ العقل نقص الكلام.
 (۴) البرّ أن تعمل خيراً فيه صلاحك!

نکته‌ی ۱۱

برخی ظروف زمان و مکان مانند «الآن، أمس، حيثُ، هنا، هناك و ...» مبنی هستند و سایر ظروف مانند «عند، قبل، بعد و ...» معرب هستند.

نکته‌ی ۱۲

نکته‌ی مهم: برخی افعال عربی با دو مفعول به کار می‌روند: آتی، أعطی، جعل، رزق، البس، بلّغ، اذاق (چشاند)، زاد و ...

أعطى المديرُ التلميذَ الناجحَ جائزةً.
 مفعول اول مفعول دوم
 و منصوب و منصوب

لغات درس سوم:

الأبحاث: ج البحث: پژوهش، تحقیق	تلقی: دریافت کرد	صَرَفَ: به شکل‌های مختلف آورد
أتمَّ (أتمم): تمام کرد	الثقافة: فرهنگ	ظاهرة: پدیده
الاحمر: قرمز	الجسيم: جسم کوچک	العشرين: بیست
اختفى: پنهان شد	الحائز: به‌دست آورنده	العلانية: آشکار، آشکارا
الأخرى: دیگر	الحديث: جدید	على مَرَّ العصور: در گذر عصرها
أذهب: برد	الحسنة: نیکی	غاصَّ ُ غوصاً: فرورفت، غواصی کرد
أرجو: امید دارم	الحصول على: به‌دست آوردن	عَشِيَ َ غشياً: در بر گرفت
الأزرق: آبی	الحفلة: جشن، مراسم	الفخمة: با شکوه، بزرگ
استراح: استراحت کرد *	الحكم: داور	الفئات: ج الفئَة: گروه، دسته
استنتج: نتیجه گرفت	الحنون: مهربان	قامَ به: انجام داد، اقدام کرد *
الأسود: سیاه	حياً: سلام کرد، تحیت گفت	القرین: جفت، همراه
إصرف: بازدار	خاطب: خطاب کرد	اللجی: عمیق
أظلم: تاریکتر	الخفی: مخفی، پنهان	المأتمین: دویست
اقتصر: محدود شد	الدم: خون	المثابة: مانند
أكمل: کامل کرد	الذكر: نر	المثابة: پایداری، استقامت
الأمل: آرزو، امید	رتل: با دقت و آرامش تلاوت کرد	مزح َ مزحاً: شوخی کرد، مزاح کرد
الامتی: به مکتب نرفته، بیسواد، فاقد سواد خواندن و نوشتن	سال َ سیلاً: جاری شد	المسألة: درخواست، مسألت
الأنثی: ماده	السخط: خشم، غضب	المعدّات: تجهیزات
البالغ: فراوان	السديد: محکم و استوار	المنقوص: کم شده
بدأ َ بدايةً: آغاز کرد	سُمی: نامیده شد	المیقات: زمان ملاقات و دیدار
البر: نیکی، خوبی	سنُریهم: به زودی به آنان نشان خواهیم داد.	نُری: مینمایانیم، نشان میدهم
بعضها عن بعض: با یکدیگر، نسبت به یکدیگر	الشحنة: بار، بار الکتریکی	النّواة: هسته
البهجة: شادمانی	الشعاع الضوئی: شعاع نوری	واجبات: تکالیف
البيئة: محیط	الشعور: احساس	یتکوّن: تشکیل میشود
تحنناً: مهربانی	صدّق: باور کرد *	الیک: بگير
تذکّر: پند گرفت	الصدق: راستی، راستگویی	یوم الفصل: روز جدایی
	صرّح: تصریح کرد، آشکار کرد	

متن درس:

* «سنریهم آیاتنا...»

☑ نشانه‌های خویش را به آنان نشان خواهیم داد ...

س: حرف / نُرِی: فعل و فاعل آن «نَحْنُ» مستتر (مضارع از باب افعال و دومفعولی) / هم: مفعول اول و محلاً منصوب / آیات: مفعول دوم و منصوب به کسره / نا: مضاف الیه و محلاً مجرور /
 ☑ قواعد: نُرِی: فعل مهموز ناقص (رأی) مضارع باب افعال: أری، یُرِی /

* نَزَلَ اللهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً لِهَدَايَةِ انْسَانٍ. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لَلَّتِي هِيَ اقْوَمُ»

☑ قطعاً خدا قرآن را برای هدایت انسان فرو فرستاد. «همانا این قرآن به آن چه استوارتر است (استوارترین آیین‌ها) هدایت می‌کند.»
 نَزَلَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / الله: فاعل و مرفوع / القرآن: مفعول و منصوب / تنزیلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب / الهدایة: جار و مجرور / الانسان: مضاف الیه و مجرور / إِنْ: از حروف مشبیه / هذا: اسم آن و محلاً منصوب / القرآن: عطف بیان و منصوب (اسم اشاره + اسم ال‌دار و جامد، عطف بیان است.) / یهدی: خبر آن و محلاً مرفوع / للتی: جار و مجرور محلاً / هی: مبتدا و محلاً مرفوع / اقوم: خبر و مرفوع (هی اقوم: جمله‌ی صله است.)
 ☑ قواعد: تنزیلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب / یهدی: فعل ناقص (ه دی)

* فالقرآن يُخاطبُ جميع أبناء البشر بثقافتهم المختلفة على مرّ العصور.

☑ پس قرآن همه‌ی فرزندان (افراد) بشر را با فرهنگ‌های گوناگونشان در طول دوره‌ها (در گذر دوران‌ها) مورد خطاب قرار می‌دهد.
 القرآن: مبتدا و مرفوع / يُخاطبُ: خبر و محلاً مرفوع / جميع: مفعول و منصوب / أبناء البشر: مضاف الیه و مجرور / بثقافة: جار و مجرور / هم: مضاف الیه و مجرور محلاً / المختلفة: صفت و مجرور (اگر کلمه‌ای هم مضاف الیه و هم صفت داشته باشد، ابتدا مضاف الیه و سپس صفت ذکر می‌شود.) / علی مرّ: جار و مجرور / العصور: مضاف الیه و مجرور /

* فلهذا نرى أساليب دعوته يختلف بعضها عن بعض اختلافًا كبيراً.

☑ بنابراین روش‌های دعوت آن را می‌بینیم در حالی که نسبت به یکدیگر بسیار تفاوت دارند.
 لهذا: جار و مجرور محلاً / نرى: فعل مضارع و فاعل آن نحن مستتر / أساليب: مفعول و منصوب (غیرمنصرف است.) / دعوة: مضاف الیه و مجرور / : مضاف الیه و محلاً مجرور / يختلف: جمله‌ی حالیه و محلاً منصوب / بعض: فاعل و مرفوع / ها: مضاف الیه و محلاً مجرور / عن بعض: جار و مجرور / اختلافاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / کبیراً: صفت و منصوب /
 ☑ قواعد: اختلافاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب (بعد از آن صفت آمده است.) / نرى: فعل مهموز و ناقص (رأی)

* فقد استخدم القرآن البراهين والأدلة المتنوعة لتشمل جميع الفئات المختلفة.

☑ و قرآن برهان‌ها و دلایل گوناگونی را به کار گرفته است تا همه‌ی گروه‌های مختلف را دربرگیرد.
 قد: حرف تحقیق / استخدم: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / القرآن: فاعل و مرفوع / البراهین: مفعول و منصوب (غیرمنصرف) / الأدلة: معطوف به مفعول و منصوب / المتنوعة: صفت و منصوب / لتشمل: مضارع منصوب به فتحه و فاعل آن «هی» مستتر / جميع: مفعول و منصوب / الفئات: مضاف الیه و مجرور / المختلفة: صفت و مجرور (چون «الفئات» جمع غیرعاقل است صفت، مفرد مؤنث آمده است.)

* «و لقد صرفنا في هذا القرآن للناس من كلِّ مثلٍ.»

☑ ما در این قرآن برای مردم از هر مثلی آورده‌ایم.
 ل: حرف تأکید / قد: حرف تحقیق / صرفنا: فعل و فاعل آن «نا» (از باب تفعیل) / فی هذا: جار و مجرور محلاً / القرآن: عطف بیان و مجرور / للناس: من کلّ: جار و مجرور / مثل: مضاف الیه و مجرور

* و الآيات العلمية في القرآن هي بعض هذه البراهين التي تُخاطبُ الانسان الذي لا يطمئن قلبه اطمئناناً تاماً، إلا عن طريق العلم والتجربة.

☑ و آیات علمی در قرآن (در واقع) برخی از این برهان‌هاست که انسانی را که دلش کامل آرامش پیدا نمی‌کند مگر از راه علم و تجربه (آزمایش) مخاطب قرار می‌دهد. [فقط از راه دانش و تجربه (حس) به‌طور کامل آرام می‌گیرد].

الآيات: مبتدا و مرفوع / العلمیة: صفت و مرفوع / فی القرآن: جار و مجرور / هی: ضمیر فصل / بعض: خبر و مرفوع / هذه: مضاف الیه و محلاً مجرور / البراهین: عطف بیان و مجرور / التي: صفت و محلاً مجرور / تُخاطبُ: فعل و فاعل آن «هی» مستتر (از باب مفاعلة) / الانسان: مفعول و منصوب / الذي: صفت و محلاً منصوب / لا يطمئن: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (فعل مضارع رباعی مزید است - مخصوص رشته‌ی انسانی) / قلب: فاعل و مرفوع / ه: مضاف الیه و مجرور / اطمئناناً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / تاماً: صفت و منصوب / إلا: حرف استثناء / عن طریق: جار و مجرور / العلم: مضاف الیه و مجرور / التجربة: معطوف به مضاف الیه و مجرور
 ☑ قواعد: اطمئناناً: مفعول مطلق نوعی و منصوب (مصدر رباعی مزید)

متن درس:

* والیک الآن بعض هذه الآيات:

☑ اکنون به برخی از این آیات توجه کن:

البک: جار و مجرور محلاً (به معنای «خُذْ: بگیر») / الآن: مفعول فيه و محلاً منصوب / بعض: مفعول به و منصوب برای اسم فعل «البک» / هذه: مضاف الیه و محلاً مجرور / الآيات: عطف بیان و مجرور /

* ظلمات البحر

☑ تاریکی های دریا

* «أو كظلمات في بحر لحي يغشاه موج من فوقه موج ظلمات بعضها فوق بعض»

☑ یا همچون تاریکی هایی در دریایی عمیق است که موجی سوار بر موج دیگر آن را می پوشاند (در بر می گیرد) تاریکی هایی که یکی بالای دیگری است (تاریکی هایی بر روی یکدیگر).

أو: حرف عطف / كظلمات: جار و مجرور / في بحر: جار و مجرور / لحي: صفت و مجرور / يغشاه: فعل مضارع و ضمیر «ه» مفعول و فاعل آن اسم ظاهر (جمله ی «يغشاه موج» جمله ی وصفیه برای «بحر» و محلاً مجرور) / موج: فاعل و مرفوع / من فوق: جار و مجرور (خبر مقدم و محلاً مرفوع) / ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / موج: مبتدای مؤخر و مرفوع («من فوقه موج»: جمله ی وصفیه برای «موج» اول) / ظلمات: مبتدا و مرفوع / بعض: مبتدا و مرفوع / ها: مضاف الیه و محلاً مجرور / فوق: خبر برای «بعض» و محلاً مرفوع، ظرف مکان / بعض: مضاف الیه و مجرور (بعضها فوق بعض: خبر جمله ی اسمیه برای «ظلمات» و محلاً مرفوع) /

⑤ قواعد: يغشى: فعل ناقص (غ ش ی) اعلا له بالقلب / فوق: مفعول فيه و ظرف مکان /

* أخبّرنا القرآن بظاهرة ظلمة البحر إخباراً عجباً وهذا امر لم يُكتشف إلا في القرن الأخير.

☑ قرآن به شکلی عجیب درباره ی پدیده ی تاریکی دریا به ما خبر داده است و این امری است که جز در قرن اخیر کشف نشده است. أخبّر: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / نا: مفعول و محلاً منصوب / القرآن: فاعل و مرفوع / بظاهرة: جار و مجرور / ظلمة و البحر: مضاف الیه و مجرور / إخباراً: مفعول مطلق نوعی و منصوب (آن را با «أخباراً» که جمع مکسر است اشتباه نگیریم) / عجباً: صفت و منصوب / و: حرف عطف / هذا: مبتدا و محلاً مرفوع / امر: خبر و مرفوع / لم يُكتشف: جمله ی وصفیه و محلاً مرفوع (فعل مضارع مجزوم است - فعل مجهول و نائب فاعلش «هو» مستتر) / الا: حرف استثناء و حصر / في القرن: جار و مجرور / الاخير: صفت و مجرور

⑤ قواعد: إخباراً: مفعول مطلق نوعی و منصوب /

* لقد كان الانسان في الماضي لا يستطيع أن يغوص في البحر أكثر من عشرين متراً. و لم تكن هناك ظلمة.

☑ در گذشته انسان نمی توانست بیش از بیست متر در دریا فرو رود (غواصی کند). و در آن جا تاریکی ای نبود.

لقد: حرف تاکید / قد: حرف تحقیق / كان: از افعال ناقصه / الانسان: اسم کان و مرفوع / في الماضي: جار و مجرور / تقدیراً / لا يستطيع: خبر کان و محلاً منصوب (فعل و فاعل آن «هو» مستتر) / أن يغوص: مضارع منصوب و فاعل آن «هو» مستتر («أن يغوص»: مفعول برای «يستطيع») / في البحر: جار و مجرور / أكثر: صفت جانشین مفعول مطلق (در اصل «غوصاً أكثر» بوده است) / من عشرين: جار و مجرور به «ی» / متراً: تمیز عدد و منصوب / لم تكن: از افعال ناقصه و مجزوم / هناك: خبر مقدم کان و محلاً منصوب (ظرف مکان) / ظلمة: اسم مؤخر کان و مرفوع / قواعد: كان: فعل معتل و اجوف (ک و ن) اعلا له بالقلب / لا يستطيع: فعل معتل و اجوف (ط و ع) اعلا له بالقلب / لم يكن: فعل معتل و اجوف (ک و ن) اعلا له بالحذف و مجزوم / أكثر: صفت جانشین مفعول مطلق و منصوب، غیر منصرف است و تنوین نمی گیرد. / هناك: مفعول فيه و ظرف مکان / يغوص: فعل معتل و اجوف (غ و ص) اعلا له بالاسکان / توهيه: كان + فعل مضارع ← ماضی استمراری ترجمه می شود.

* ولكنه الآن يغوص في أعماق البحار غوصاً أكثر من مائتي متر بواسطة المعدّات الحديثة فنجد هناك ظلاماً شديداً.

☑ اما او اکنون به وسیله ی تجهیزات جدید در اعماق دریاها بیش از دویست متر فرو می رود (غواصی می کند) و ما در آن جا تاریکی شدیدی را می یابیم.

و: حرف عطف / لكن: از حروف مشبّهة بالفعل / اسم لكن و محلاً منصوب / الآن: مفعول فيه و منصوب محلاً / يغوص: خبر لكن و محلاً مرفوع / في اعماق: جار و مجرور / البحار: مضاف الیه و مجرور / غوصاً: مفعول مطلق نوعی / أكثر: صفت و منصوب / من مائتي: جار و مجرور به «ی» (مائتين) / متر: مضاف الیه و مجرور (تمیز عدد) / بواسطة: جار و مجرور / المعدّات: مضاف الیه و مجرور (اسم مفعول) / الحديثة: صفت و مجرور / فنجد: حرف عطف / نجد: فعل مضارع و فاعل آن «نحن» مستتر / هناك: مفعول فيه و منصوب محلاً / ظلاماً: مفعول و منصوب / شديداً: صفت و منصوب / قواعد: الآن: مفعول فيه و منصوب محلاً (مبنی است) / يغوص: فعل معتل و اجوف (غ و ص)، اعلا له بالاسکان / غوصاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / هناك: مفعول فيه و ظرف مکان و محلاً منصوب / نجد: فعل معتل و مثال (و ج د)، اعلا له بالحذف /

متن درس:

* تُعْطِينَا الْآيَةَ صُورَةً أُخْرَى عَنِ الْبَحْرِ وَ هِيَ وَجُودُ طَبَقَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ مِنَ الظُّلْمَةِ، بَعْضُهَا أَظْلَمُ مِنَ الْأُخْرَى!

☑ این آیه تصویر دیگری از دریا به ما می‌دهد و آن وجود طبقات گوناگونی از تاریکی است که بعضی از آن‌ها تاریک‌تر از برخی دیگر است. **تُعْطِي:** فعل و فاعل آن اسم ظاهر (از باب افعال) / **نَا:** مفعول اول و محلاً منصوب / **الآيَةُ:** فاعل و مرفوع / **صُورَةً:** مفعول دوم و منصوب / **أُخْرَى:** صفت و تقدیراً منصوب (مونث «آخر»)/ **عَنِ الْبَحْرِ:** جار و مجرور / **وَ:** حرف عطف / **هِيَ:** مبتدا و محلاً مرفوع / **وَجُودٌ:** خبر و مرفوع / **طَبَقَاتٍ:** مضاف الیه و مجرور / **مُخْتَلِفَةٍ:** صفت و مجرور / **مِنَ الظُّلْمَةِ:** جار و مجرور / **بَعْضٌ:** مبتدا و مرفوع / **هَا:** مضاف الیه و محلاً مجرور / **أَظْلَمُ:** خبر و مرفوع / **مِنَ الْأُخْرَى:** جار و مجرور تقدیراً («بعضها أظلم» جمله‌ی وصفیه برای «طبقات» و محلاً مجرور) /
 ☑ **قَوَاعِد:** **تُعْطِي:** فعل معتل و ناقص (ع ط ی)، اعلاله بالاسکان، مضارع از باب افعال /

* قَدْ اثْبَتَتِ الْاِكْتِشَافَاتِ الْحَدِيثَةَ أَنَّ الشَّعَاعَ الضَّوئِيَّ يَتَكَوَّنُ مِنْ سَبْعَةِ الْوَانِ.

☑ **اكتشافات جدید اثبات کرده است که شعاع نوری از هفت رنگ تشکیل می‌شود.**

قَدْ: حرف تحقیق / **اثبتت:** فعل و فاعل آن اسم ظاهر / **الاكتشافات:** فاعل و مرفوع / **الحديثة:** صفت و مرفوع / **أَنَّ:** از حروف مشبّهة / **الشعاع:** اسم **أَنَّ** و منصوب / **الضوئِيَّ:** صفت و منصوب / **يتكوَّنُ:** خبر **أَنَّ** و محلاً مرفوع / **من سبعة:** جار و مجرور / **الوان:** تمییز عدد /
 ☑ **قَوَاعِد:** **يتكوَّنُ:** فعل معتل و أجوف (ک و ن)، از باب تفعّل، دون الاعلال /

* فَاللون الاحمرُ أوّل لونٍ يختفي في البحر!

☑ **پس رنگ قرمز اولین رنگی است که در دریا ناپدید می‌شود.**

اللون: مبتدا و مرفوع / **الاحمر:** صفت و مرفوع / **أوّل:** خبر و مرفوع / **لون:** مضاف الیه و مجرور / **يختفي:** جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور / **في البحر:** جار و مجرور /
 ☑ **قَوَاعِد:** **يختفي:** فعل معتل و ناقص (خ ف ی)، از باب افتعال، اعلاله بالاسکان /

* فَإِنْ جُرِحَ غَوَاصٌ جَرَحًا شَدِيدًا وَ سَالَ مِنْهُ الدَّمُ لَا يَرَى دَمَهُ إِلَّا بِاللَّوْنِ الْأَسْوَدِ!

☑ **بنابراین اگر غواصی به شدت زخمی شود و خون از او جاری گردد، خون خود را جز به رنگ سیاه نمی‌بیند (خون خود را فقط به رنگ سیاه می‌بیند).**

إِنْ: حرف شرط / **جُرِحَ:** فعل شرط و محلاً مجزوم و مجهول / **غَوَاصٌ:** نائب فاعل و مرفوع / **جَرَحًا:** مفعول مطلق نوعی و منصوب / **شَدِيدًا:** صفت و منصوب / **سَالَ:** فعل و فاعل آن اسم ظاهر (معطوف به «جرح») / **مِنْهُ:** جار و مجرور محلاً / **الدَّمُ:** فاعل و مرفوع / **لَا يَرَى:** فعل و فاعل آن «هو» مستتر (جواب شرط) / **دَمَهُ:** مفعول و منصوب / **ه:** مضاف الیه و محلاً مجرور / **إِلَّا:** حرف حصر / **بِاللَّوْنِ:** جار و مجرور / **الاسود:** صفت و مجرور /
 ☑ **قَوَاعِد:** **سَالَ:** فعل و أجوف (س ی ل)، اعلاله بالقلب / **يَرَى:** فعل معتل و ناقص و مهموز (ر أ ی)، اعلاله بالقلب /
تَوْهَمَهُ: جواب شرط و فعل شرط باید مجزوم باشند، ولی اگر فعل شرط، ماضی و جواب شرط مضارع باشد می‌تواند جواب شرط مجزوم نشود و می‌تواند مجزوم باشد.

* وَ كُلُّ لَوْنٍ يَخْتَفِي يُسَبِّبُ جُزْءًا مِنَ الظُّلْمَةِ.

☑ **و هر رنگی که پنهان می‌گردد بخشی از تاریکی را باعث می‌شود (به‌وجود می‌آورد).**

كُلُّ: مبتدا و مرفوع / **لون:** مضاف الیه و مجرور / **يختفي:** جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور / **يُسَبِّبُ:** خبر و محلاً مرفوع / **جزءًا:** مفعول و منصوب /
من الظلمة: جار و مجرور /

* وَ آخِرُ الْأَوَانِ هُوَ اللَّوْنُ الْأَزْرَقُ الَّذِي يَخْتَفِي فِي عَمَقِ ٢٠٠ مِتر (مائتِي مِتر) وَ مِنْ هُنَاكَ ظِلْمَةٌ كَامِلَةٌ.

☑ **و آخرین رنگ‌ها همان رنگ آبی است که در عمق دو بیست متری پنهان می‌شود و از آن جا (به بعد) تاریکی کامل است!**

آخِرُ: مبتدا و مرفوع / **الأوان:** مضاف الیه و مجرور / **هو:** ضمیر فصل / **اللون:** خبر و مرفوع / **الأزرق:** صفت و مرفوع / **الذی:** صفت و محلاً مرفوع / **يختفي:** فعل و فاعل آن «هو» مستتر / **في عمق:** جار و مجرور / **مائتي:** مضاف الیه و مجرور / **متر:** مضاف الیه و مجرور (تمییز عدد) / **من هناك:** خبر مقدم (شبه جمله) و محلاً مرفوع / **ظلمة:** مبتدای مؤخر و مرفوع / **كاملة:** صفت و مرفوع /
 ☑ **قَوَاعِد:** **يختفي:** مانند قبل /

* قرین المادّة

☑ یاد ماده

متن درس:

* «و من كل شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون.»

✓ و از هر چیزی جفتی آفریدیم شاید شما پند بگیرید.

من كل: جار و مجرور / شيء: مضاف الیه و مجرور / خلقنا: فعل و فاعل آن «نا» / زوجین: مفعول و منصوب به «ی» / لعل: از حروف مشبّهة بالفعل / كم: اسم لعل و محلاً منصوب / تذكرون: خبر لعل و محلاً مرفوع /

* خلق الله الانسان وجعله زوجين ذكراً و أنثى.

✓ خدا انسان را آفرید و او را جفت نر و ماده قرار داد.

خلق: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / الله: فاعل و مرفوع / الانسان: مفعول و منصوب / جعل: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / ه: مفعول اول و محلاً منصوب / زوجین: مفعول دوم و منصوب به «ی» / ذكراً: بدل برای «زوجین» و منصوب / أنثى: عطف به «ذكراً» و تقدیراً منصوب

* «إنا خلقناكم من ذكرٍ و أنثى.» و لم يقتصر هذا النظام على الانسان بل شمل عالم النباتات. «و من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين»

✓ «ما شما را از نر و ماده‌ای آفریدیم.» و این نظام بر انسان محدود نشده است بلکه دنیای گیاهان را نیز در بر گرفته است. «و از همه‌ی میوه‌ها (ثمرات) در آن‌ها جفتی قرار داده است.»

إنا: حرف مشبّهة و اسم آن «نا» / خلقنا: خبر إن و محلاً مرفوع، فعل و فاعل آن «نا» / كم: مفعول و محلاً منصوب / من ذكر: جار و مجرور / أنثى: معطوف به «ذكر» و تقدیراً مجرور / لم يقتصر: فعل مجزوم و فاعل آن اسم ظاهر / هذا: فاعل و محلاً مرفوع / النظام: عطف بیان و مرفوع / على الانسان: جارو مجرور / بل: حرف عطف / شمل: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / عالم: مفعول و منصوب / النباتات: مضاف الیه و مجرور / من كل: جار و مجرور / الثمرات: مضاف الیه و مجرور / جعل: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / فيها: جار و مجرور محلاً / زوجین: مفعول و منصوب به «ی» / اثنين: صفت و منصوب به «ی»

* إضافة الى ذلك نرى في الآية التالية شمولاً أكبر و اعم. «و من كل شيء خلقنا زوجين...»

✓ علاوه بر آن، در آیه‌ی زیر شمول (جامعیت) بزرگ‌تر و عام‌تری را می‌بینیم. «و از هر چیزی دو جفت را آفریدیم...»

إضافة: مفعول مطلق جانشمین فعل و منصوب (در اصل «أضيف إضافة» بوده) / الى ذلك: جار و مجرور محلاً / نرى: فعل و فاعل آن «نحن» مستتر / في الآية: جار و مجرور / التالية: صفت و مجرور / شمولاً: مفعول و منصوب / أكبر: صفت و منصوب (غیر منصرف است و تنوین نمی‌گیرد) / أعم: معطوف و منصوب (غیر منصرف) / من كل: جار و مجرور / شيء: مضاف الیه و مجرور / خلقنا: فعل و فاعل آن ضمیر «نا» / زوجین: مفعول و منصوب به «ی» /

⑤ قواعد: إضافة: مفعول مطلق برای فعل محذوف / نرى: فعل معتل و ناقص و مهموز (رأى)، اعلاّه بالحذف /

* فکلمة «شيء» تدل على الجماد أيضاً! فهل فى الجماد زوجان!؟

✓ و کلمه‌ی «چیز» بر جماد (اجسام بی‌جان) نیز دلالت می‌کند! آیا در میان اجسام بی‌جان (نیز) جفتی وجود دارد؟

کلمه: مبتدا و مرفوع / شيء: مضاف الیه و مجرور / تدل: خبر و محلاً مرفوع، فعل و فاعل آن «هی» مستتر / على الجماد: جار و مجرور / ايضاً: مفعول مطلق جانشمین فعل و منصوب / هل: حرف استفهام / فى الجماد: خبر مقدم و محلاً مرفوع (شبه جمله) / زوجان: مبتدای مؤخر و مرفوع به «الف» / قواعد: ايضاً: مفعول مطلق و منصوب /

* فى السنوات الاخيرة اكتشف علماء الفيزياء أن الالكترون حينما يدور حول نواة المادة، كأن هناك جسيماً مجهولاً آخر يحمل شحنة تخالف شحنة الالكترون سُمى بـ «قرين المادة» فاستنتج العلماء أن لكل جسم قريناً.

✓ در سال‌های اخیر دانشمندان فیزیک کشف کرده‌اند که الکترون هنگامی که دور هسته‌ی ماده می‌چرخد، گویا در آن جا جسم کوچک ناشناخته‌ی دیگری وجود دارد که بار الکتریکی که مخالف بار الکترون است حمل می‌کند و «پاد ماده» نامیده می‌شود. پس دانشمندان نتیجه گرفتند که برای هر جسمی جفتی وجود دارد.

فى السنوات: جار و مجرور / الاخيرة: صفت و مجرور / اكتشف: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / علماء: فاعل و مرفوع / الفيزياء: مضاف الیه و مجرور / أن: از حروف مشبّهة / الالكترون: اسم آن و منصوب / حينما: مفعول قییه و منصوب / يدور: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / حول: مفعول فییه و منصوب / نواة: مضاف الیه و مجرور / المادة: مضاف الیه و مجرور / كأن هناك: خبر آن و محلاً مرفوع / كأن: از حروف مشبّهة بالفعل / هناك: خبر مقدم کان و محلاً مرفوع / جسيماً: اسم مؤخر کان و منصوب (کوچک شده‌ی) جسم، بر وزن فُعيل / مجهولاً: صفت و منصوب / آخر: صفت و منصوب (غیر منصرف، مشتق و اسم تفضیل) / يحمل: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب / شحنة: مفعول و منصوب / تخالف: جمله‌ی وصفیه برای «شحنة» و محلاً منصوب /

متن درس:

شخنة: مفعول و منصوب / الالکترون: مضاف الیه و مجرور / سُمِّيَ: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب، فعل و نائب فاعل آن «هو» مستتر / بـ «قرین»: جار و مجرور / المادّة: مضاف الیه و مجرور / استنتج: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / العلماء: فاعل و مرفوع / أن لكلّ ...: مفعول و محلاً منصوب / أن: از حروف مشبّهة بالفعل / لكلّ: خبر مقدم آن و محلاً مرفوع / جسم: مضاف الیه و مجرور / قریناً: اسم مؤخر «أن» و منصوب / ⑤ قواعد: حیثما: مفعول فیهِ / حول: مفعول فیهِ و منصوب / هناك: مفعول فیهِ و محلاً منصوب / سُمِّيَ: فعل معتل و ناقص (س م ی) ماضی از باب تفعیل و مجهول

* إنَّ الفیزیائی المسلم محمدًا عبدالسلام الحائز علی جائزة نوبل فی الفیزیا و الّذی قام بأبحاثٍ مهمّة فی موضوع قرائن المادّة، صرّح هذا الامر بعد حصوله علی الجائزة تصریحاً عجیباً ...

☑ فیزیکدان مسلمان محمد عبدالسلام برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در فیزیک و کسی که تحقیقات مهمی درباره‌ی موضوع «پاد ماده‌ها» انجام داده است، بعد از به دست آوردن جایزه به شگفتی به این امر تصریح کرد ...

إنّ: از حروف مشبّهة بالفعل / الفیزیائی: اسم إنّ و منصوب / المسلم: صفت و منصوب / محمدًا: بدل از الفیزیائی و منصوب / عبد: بدل از «محمدًا» / السلام: مضاف الیه و مجرور / الحائز: صفت برای «الفیزیائی» و منصوب / علی جائزة: جار و مجرور / نوبل: مضاف الیه و مجرور به فتحه (غیر منصرف) / فی الفیزیا: جار و مجرور / الّذی: معطوف به الفیزیائی و منصوب محلاً / قام: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / بأبحاث: جار و مجرور (جمع «بحث») / مهمّة: صفت و مجرور / فی موضوع: جار و مجرور / قرائن، المادّة: مضاف الیه و مجرور / صرّح: خبر إنّ و محلاً مرفوع / هذا: مفعول و محلاً منصوب / الامر: عطف بیان و منصوب / بعد: مفعول فیهِ و منصوب / حصول: مضاف الیه و مجرور / ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / علی الجائزة: جار و مجرور / تصریحاً: مفعول مطلق و منصوب / عجیباً: صفت و منصوب / ⑤ قواعد: بعد: مفعول فیهِ و منصوب / تصریحاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / قام: فعل معتل و اجوف (ق و م)، اعلاله بالقلب /

* حیثُ یُشیئُ الی أن الآیة القرآنیة «و من کلّ شیءٍ خلقنا زوجین ...» کانت بمثابة شعورٍ خفیّ و الهام قویّ له أثناء أبحاثه عن قرائن المادّة!

☑ آن جا که اشاره می کند به این که آیه‌ی قرآنی «و از هر چیزی جفتی را آفریدیم» در حین تحقیقاتش درباره‌ی پاد ماده‌ها مانند یک احساس پنهان و الهامی نیرومند برای او بوده است.

حیثُ: مفعول فیهِ و ظرف مکان و محلاً منصوب / یُشیئُ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / الی: حرف جرّ / أن: از حروف مشبّهة بالفعل / الآیة: اسم أنّ و منصوب / القرآنیة: صفت و منصوب / و من کلّ ...: قبلاً ذکر شد / کانت بمثابة ...: خبر أنّ و محلاً مرفوع / کانت: از افعال ناقصه و اسم آن «هی» مستتر / بمثابة: خبر کانت و محلاً منصوب / شعورٍ: مضاف الیه و مجرور / خفیّ: صفت و مجرور / الهام: معطوف به «شعور» و مجرور / قویّ: صفت و مجرور / له: جار و مجرور محلاً / أثناء: مفعول فیهِ و منصوب / أبحاث: مضاف الیه و مجرور / ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / عن قرائن: جار و مجرور / المادّة: مضاف الیه و مجرور /

قواعد: حیثُ: مفعول فیهِ و محلاً منصوب / أثناء: مفعول فیهِ و منصوب / یُشیئُ: فعل معتل و اجوف (ش و ر)، مضارع از باب افعال، اعلاله بالقلب /

* إنَّ ورود هذه الحقائق الفخمة و الدقیقة علی لسان انسان أمیّ عاش فی بیئة أمیة دلیل علی أنّه تلقّاها ممن یعلم السّرّ فی السماوات و الارض:

☑ همانا وارد شدن (جاری شدن) این حقیقت‌های ارزشمند و دقیق بر زبان انسانی درس نخوانده که در یک محیط بی‌سوادی زندگی می‌کرد نشانه‌ای بر آن است که او این‌ها را از کسی که نهان و پنهان را در آسمان‌ها و زمین می‌داند دریافت نموده است.

إنّ: از حروف مشبّهة / ورود: اسم إنّ و منصوب / هذه: مضاف الیه و محلاً مجرور / الحقائق: تابع اسم اشاره و مجرور / الفخمة: صفت و مجرور / الدقیقة: معطوف به «الفخمة» و مجرور / علی لسان: جار و مجرور / انسان: مضاف الیه و مجرور / أمیّ: صفت و مجرور / عاش: جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور، فعل و فاعل آن «هو» مستتر / فی بیئة: جار و مجرور / أمیة: صفت و مجرور / دلیل: خبر أنّ و مرفوع / علی: حرف جرّ / أنّ: از حروف مشبّهة / ه: اسم أنّ و منصوب محلاً / تلقی: خبر أنّ و محلاً مرفوع / ها: مفعول و محلاً منصوب / ممن: جار و مجرور محلاً / یعلم: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / السّرّ: مفعول و منصوب / فی السماوات: جار و مجرور / الارض: معطوف به مجرور به حرف جرّ / قواعد: عاش: فعل معتل و اجوف (ع ی ش) اعلاله بالقلب /

* «قلّ أنزلّه الّذی یعلم السّرّ فی السماوات و الارض.»

☑ بگو آن را کسی فرو فرستاد که نهان و پنهان را در آسمان‌ها و زمین می‌داند.

قلّ: فعل امر و فاعل آن «انت» مستتر / أنزل: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / ه: مفعول و محلاً منصوب / الّذی: فاعل و محلاً مرفوع / یعلم: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / السّرّ: مفعول و منصوب / فی السماوات: جار و مجرور / الارض: معطوف و مجرور

هول النَّصِّ (درباره‌ی متن):

۱- انتخاب عنواناً آخرَ للنَّصِّ علی حَسَبِ ذوقک:

بر حسب ذوق و سلیقه‌ی خودت عنوان دیگری برای متن انتخاب کن:

* ظلمات البحر ○ الاعجاز العلمی فی القرآن ○ عالم النباتات

تاریکی‌های دریا ○ اعجاز علمی در قرآن ○ دنیای گیاهان

△ جواب: الاعجاز العلمی فی القرآن

۲- أجب عن الاسئلة: (به سؤالات جواب بده):

أجب: فعل و فاعل آن «أنت» مستتر، فعل اجوف و اعلاله بالحذف

۱- هل يخاطب القرآنُ جميعَ ابناء البشر؟

آیا قرآن همه‌ی افراد بشر را مورد خطاب قرار می‌دهد؟

△ جواب: نعم يخاطب القرآن جميعَ ابناء البشر.

۲- ماذا اثبتت الاكتشافاتُ الحديثةُ عن الضوء؟

اكتشافات جدید درباره‌ی نور چه چیزی را اثبات کرده است؟

△ جواب: اثبتت أن الشعاع الضوئي يتكوّن من سبعة ألوان.

ثابت کرده است که شعاع نورانی از هفت رنگ تشکیل می‌شود.

۳- هل يقتصر نظامُ الرّوجين على الانسان فقط؟

آیا نظام زوجیت فقط به انسان محدود می‌شود؟

△ جواب: لا. لا يقتصرُ هذا النظام على الانسان فقط بل يشمل عالم النباتات و الجماد أيضاً.

نه. این نظام محدود به انسان نمی‌شود بلکه عالم گیاهان و اجسام بی‌جان را نیز شامل می‌شود.

۳- اكتب معنى المفردات التالية مستعیناً بالنَّصِّ: (معنی کلمات زیر را با کمک متن بنویس.)

(۱) تاریکی دریاها (۲) غواصی کرد (۳) مردان درس ناخوانده (۴) زنان درس ناخوانده

△ جواب: (۱) ظلمة البحار (۲) غاصّ للمؤت: غاصت (۳) الرجال الامیون (۴) النساء الامیات

إفتر نفسك

(الف) املأ الفراغَ بالمفعول المطلق: (جای خالی را با مفعول مطلق پر کن:)

۱- «و رتل القرآنَ ...»

△ جواب: ترتیلاً

و قرآن را کاملاً با آرامش و دقت تلاوت کن.

رتل: فعل امر و فاعل آن «أنت» مستتر (از باب تفعیل) / القرآن: مفعول و منصوب / ترتیلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب /

۲- نَزَّلَ اللهُ القرآنَ

△ جواب: تنزیلاً

قطعاً خدا قرآن را نازل کرد.

نَزَّلَ: فعل و فاعل ان اسم ظاهر (از باب تفعیل) / الله: فاعل و مرفوع / القرآن: مفعول و منصوب / تنزیلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

۳- يُحَاسِبُ الانسانُ يومَ القيامةِ

△ جواب: محاسبتهً (حساباً)

بی‌شک انسان در روز قیامت مورد حسابرسی واقع می‌شود.

يُحَاسِبُ: فعل مجهول و نائب فاعل آن اسم ظاهر (از باب «مفاعلة» - مصدر دیگر آن «فعال») / الانسان: نائب فاعل و مرفوع / يوم: مفعول فیه و

منصوب / القيامة: مضاف الیه و مجرور / محاسبتهً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب /

(ب) املأ الفراغَ بالفعل و المفعول المطلق النوعی: (جای خالی را با فعل و مفعول مطلق نوعی پر کن:)

إفتبر نفسک

۱- «إِنَّا لَكَ مِينًا» (فتح)

△ **جواب: فُتِحْنَا - فُتِحْنَا**

☑ **قطعاً ما برای تو فتحی آشکار گشودیم.** (قطعاً ما تو را آشکارا پیروز نمودیم.)

أنا: از حروف مشبیه و «نا» اسم آن و محلاً منصوب / **فُتِحْنَا**: فعل و فاعل آن «نا»، خبر إنَّ و محلاً مرفوع / **لَكَ**: جار و مجرور محلاً / **فُتِحْنَا**: مفعول مطلق نوعی و منصوب / **مِينًا**: صفت و منصوب

۲- البخیلُ فی الدنيا الفقراء. (عاشَ - مضارع)

△ **جواب: یعیشُ - عَیْشٌ**

☑ **بخیل (خسیس) در دنیا همچون فقیران زندگی می‌کند.**

یعیشُ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (معتل و اجوف) / **البخیل**: فاعل و مرفوع / **فی الدنيا**: جار و مجرور تقدیراً / **عیشٌ**: مفعول مطلق نوعی و منصوب / **الفقراء**: مضاف‌الیه و مجرور /

۳- «یا أَيُّهَا الذین آمنوا اتقوا الله و سدیداً» (قالُ فعل امر)

△ **جواب: قولوا - قولوا**

☑ **ای کسانی که ایمان آوردید از خدا بترسید و محکم و درست سخن بگویید.**

یا: حرف ندا / **أیُّ**: منادای نکره‌ی مقصوده، مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب / **ها**: حرف تنبیه / **الذین**: تابع منادا و محلاً مرفوع / **آمنوا**: فعل و فاعل آن «و» / **اتقوا**: فعل امر و فاعل آن «و» / **الله**: مفعول و منصوب / **قولوا**: فعل و فاعل آن «و» / **قولوا**: مفعول مطلق نوعی و منصوب / **سدیداً**: صفت و منصوب /

۴- أنا الی الفقراء الصادقین. (أُحْسِنَ)

△ **جواب: أحسنْتُ - إحسانً**

☑ **من همچون راستگویان به نیازمندان نیکی کردم.**

أنا: مبتدا و محلاً مرفوع / **أحسنْتُ**: خبر و محلاً مرفوع، فعل و فاعل آن «تُ» / **الی الفقراء**: جار و مجرور / **إحسانً**: مفعول مطلق نوعی و منصوب / **الصادقین**: مضاف‌الیه و مجرور به «ی» /

ج) عین اعراب «ذکراً» فی الآیات التالیة: (اعراب و نقش «ذکراً» را در آیات زیر مشخص کن:)

۱- «قد أنزلَ اللهُ الیکم ذکراً»

☑ **خدا برای شما ذکری را نازل کرده است.**

أَنْزَلَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / **الله**: فاعل و مرفوع / **الیکم**: جار و مجرور محلاً / **ذکراً**: مفعول و منصوب /

۲- «وَقَدْ آتینَاکَ مِنْ لَدُنَّا ذکراً»

☑ **ما از نزد خودمان ذکری را به تو داده‌ایم.**

آتینَا: فعل و فاعل آن «نا» (أ ت ی) / **کَ**: مفعول اول و محلاً منصوب / **من لدننا**: (من لدن: جار و مجرور، نا: مضاف‌الیه و مجرور محلاً) / **ذکراً**: مفعول دوم و منصوب /

۳- «أذکروا اللهُ ذکراً کثیراً»

☑ **خدا را بسیار یاد کنید.**

أذکروا: فعل امر و فاعل آن «و» / **الله**: مفعول و منصوب / **ذکراً**: مفعول مطلق نوعی و منصوب / **کثیراً**: صفت و منصوب (د) عین المفعول فیهِ فی العبارات التالیة: (مفعول فیهِ را در عبارات زیر مشخص کن:)

۱- «الیومَ اکملتُ لکم دینکم»

☑ **امروز دین شما را برایتان کامل کردم.**

الیومَ: مفعول فیهِ و منصوب / **اکملتُ**: فعل و فاعل آن «ت» (از باب إفعال) / **لکم**: جار و مجرور محلاً / **دین**: مفعول و منصوب / **کم**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور /

۲- «و هو الَّذی خلقَ اللیلَ و النهارَ»

☑ **و او کسی است که شب و روز را آفرید.**

هو: مبتدا و محلاً مرفوع / **الَّذی**: خبر و محلاً مرفوع / **خلقَ**: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / **اللیل**: مفعول و منصوب / **النهار**: معطوف به مفعول و منصوب

فکر نفسک

۳- «إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا»

✓ همانا من قومم را در شب و روز دعوت کردم.

إِنٌّ: از حروف مشبهة/ ی: اسم اِنٌّ و محللاً منصوب/ دعوتُ: فعل و فاعل آن «تُ»/ قوم: مفعول به و تقدیراً منصوب/ ی: مضاف الیه و محللاً مجرور/ لیلًا: مفعول فیه و منصوب/ نهارًا: معطوف به مفعول فیه و منصوب/

۴- «إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ»

✓ همانا روز جدایی (قیامت) وعده گاه همگی آن هاست.

إِنَّ: از حروف مشبهة/ یَوْمٌ: اسم اِنَّ و منصوب/ الفِصْلِ: مضاف الیه و مجرور/ مِيقَاتُ: خبر اِنَّ و مرفوع/ هم: مضاف الیه و محللاً مجرور/ أَجْمَعِينَ: تأکید برای ضمیر «هم» در «مِيقَاتِهِمْ» و مجرور به «ی».

تَمَارِينُ:

🕒 التمرین الاول:

* اقرء النّصّ التالی و اّجب عن الاسئلة: (متن زیر را بخوان و به سؤالات جواب بده):

* الخلق النبوی:

✓ خوی پیامبری (پیامبرانه)

* صباح أحد الايام كان الاطفال يلعبون بفرح.

✓ صبح یکی از روزها بچه‌ها با شادی، بازی می کردند.

صباح: مفعول فیه و منصوب/ أحد، الايام: مضاف الیه و مجرور/ كان: از افعال ناقصه/ الاطفال: اسم کان و مرفوع/ يلعبون: خبر کان و محللاً منصوب/ بفرح: جار و مجرور/

توهبه: کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری

* فَرَأَهم رسولُ الله و ابتسم لهم ابتسامَةً الأب الحنون و حياهم تحيةً طيبةً.

✓ پس رسول خدا آنان را دید و همچون پدر مهربان به آن‌ها لبخند زد و به نیکی به آن‌ها سلام کرد.

فَرَأَ: حرف عطف/ رَأَى: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (رأى)/ هم: مفعول و محللاً منصوب/ رسولٌ: فاعل و مرفوع/ الله: مضاف الیه و مجرور/ ابتسم: فعل و فاعل آن «هو» مستتر/ لهم: جار و مجرور محللاً/ ابتسامَةً: مفعول مطلق نوعی و منصوب/ الأب: مضاف الیه و مجرور/ الحنون: صفت و مجرور/ حيا: فعل و فاعل آن «هو» مستتر/ هم: مفعول و منصوب محللاً/ تحيةً: مفعول مطلق نوعی و منصوب/ طيبةً: صفت و منصوب

* طلب الاطفال من النبي أن يتوقف لحظةً عندهم و يُشاهد لعبهم مشاهدةً الحکم.

✓ بچه‌ها از پیامبر خواستند که لحظه‌ای پیش آنان بایستد و بازی ایشان را همچون داور نگاه کند.

طلب: فعل و فاعل آن اسم ظاهر/ الاطفال: فاعل و مرفوع/ من النبي: جار و مجرور/ أن يتوقف: فعل و فاعل آن «هو» مستتر (مفعول فعل طلب)/ لحظةً: مفعول فیه و منصوب/ عند: مفعول فیه و منصوب/ هم: مضاف الیه و محللاً مجرور/ يشاهد: معطوف به «يتوقف» و فاعل آن «هو» مستتر/ لعب: مفعول و منصوب/ هم: مضاف الیه و محللاً مجرور/ مشاهدةً: مفعول مطلق نوعی و منصوب/ الحکم: مضاف الیه و مجرور

* فبدأ ينظر الى لعبهم و البهجة و السرور على وجهه.

✓ و شروع کرد به نگاه کردن به بازی آن‌ها در حالی که شادمانی و خوشحالی بر چهره‌اش بود.

بدأ: فعل شروع/ ينظر: فعل و فاعل آن «هو» مستتر/ الى لعب: جار و مجرور/ هم: مضاف الیه و محللاً مجرور/ البهجة: مبتدا و مرفوع/ السرور: معطوف به مبتدا و مرفوع/ على وجه: خبر و محللاً مرفوع/ ه: مضاف الیه و محللاً مجرور/ البهجة و السرور: جمله‌ی حالیه و محللاً منصوب/

* تعجّب أحد الصحابة و قال: يا عجباً. أتعلم بما يطلّبهُ الاطفال؟

✓ یکی از یاران پیامبر تعجب کرد و گفت: شگفتا. آیا آن چه را کودکان می خواهند انجام می دهی؟

تعجّب: فعل و فاعل آن اسم ظاهر/ أحد: فاعل و مرفوع/ الصحابة: مضاف الیه و مجرور/ قال: فعل و فاعل آن «هو» مستتر/ يا عجباً: یا: حرف ندا برای بیان تعجب و منادی محذوف است/ عجباً: مفعول مطلق برای فعل محذوف، کل جمله‌ی «یا عجباً» مفعول به برای فعل «قال» و محللاً منصوب/ [برخی نیز آن را منادای مضاف «یا عجبی» می دانند]/ أ: حرف استفهام/ تعلم: فعل و فاعل آن «انت» مستتر/ بما: جار و مجرور محللاً/ يطلّب: فعل و فاعل آن اسم ظاهر/ ه: مفعول و محللاً منصوب/ الاطفال: فاعل و مرفوع/

تَمَارِينُ:

﴿ فَأَجَابَ: إِنَّهُمْ فَرِحُونَ وَأَنَا مَسْرُورٌ بِفَرَحِهِمْ.﴾

✓ پس جواب داد: همانا آن‌ها خوش‌اند و من به خاطر شادی آن‌ها خوشحالم.
 أَجَابَ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / إِنَّ: از حروف مشبهة / هم: اسم إِنَّ و محلاً منصوب / فَرِحُونَ: خبر إِنَّ و مرفوع به «و» / أَنَا: مبتدا و مرفوع محلاً / مَسْرُورٌ: خبر و مرفوع / بِفَرَحٍ: جار و مجرور / هم: مضاف‌الیه و مجرور محلاً /
 أسئلة:

۱- عین المفعول المطلق و المفعول فيه: (مفعول مطلق و مفعول فيه را مشخص کن):
 △ جواب: در متن مشخص شده است.

۲- ماذا كَانَ الاطفال يعملون؟

✓ بچه‌ها چه کار می‌کردند؟

△ جواب: كَانَ الاطفال يلعبون.

✓ بچه‌ها بازی می‌کردند.

۳- لماذا كَانَ النَّبِيُّ فرحاً؟

✓ چرا پیامبر خوشحال بود؟

△ جواب: كَانَ النَّبِيُّ فرحاً لِأَنَّ الاطفال كانوا فرحين (كَانَ النَّبِيُّ فرحاً بِفرح الاطفال).

✓ پیامبر خوشحال بودند چون بچه‌ها خوشحال بودند (پیامبر به خاطر شادی کودکان شاد بود).

۴- ما الفرق بين «فَرِحَ» و «فَرَحَ» في المعنى؟

✓ تفاوت بین «فَرِحَ» و «فَرَحَ» در معنا چیست؟

△ جواب: «فَرِحَ» صفت مشبهة است به معنای «خوشحال» و «فَرَحَ» فعل است به معنای «شاد شد».

🔗 التمرين الثاني:

برای ستون «الف» ترجمه‌ی مناسبی از ستون «ب» پیدا کنیم:

ب	الف
الف) خدا را، حتماً یاد کنید!	۱- أَنْزَلَ اللهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا.
ب) خداوند «ذکر»ی برای شما نازل کرد!	۲- اذْكُرُوا اللَّهَ!
ج) خدا را یاد کنید!	۳- اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا!

△ جواب:

ب-۱	أَنْزَلَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / اللهُ: فاعل و مرفوع / إِلَيْكُمْ: جار و مجرور محلاً / ذِكْرًا: مفعول و منصوب
ج-۲	اذْكُرُوا: فعل و فاعل آن «و» / اللهُ: مفعول و منصوب /
الف-۳	اذْكُرُوا: فعل و فاعل آن «و» / اللهُ: مفعول و منصوب / ذِكْرًا: مفعول مطلق تاکیدی و منصوب /

🔗 التمرين الثالث:

عین الاسماء المنصوبة و نوعها فی العبارات التالية: (اسامی منصوب و نوع آن‌ها را در عبارات زیر مشخص کن):

۱- «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»

✓ همانا خوبی‌ها و نیکی‌ها، بدی‌ها را (از بین) می‌برند.

إِنَّ: از حروف مشبهة / الْحَسَنَاتِ: اسم إِنَّ و منصوب به کسره / يُذْهِبْنَ: خبر إِنَّ و محلاً مرفوع، فعل و فاعل آن «ن» (مضارع از باب افعال) / السَّيِّئَاتِ: مفعول و منصوب به کسره. [هر دو جمع مونث سالمند که به جای فتحه، کسره می‌گیرند].

۲- «اليومَ أكملت لكم دينكم و أتممتُ عليكم نعمتي.»

✓ امروز دین شما را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم.

تَمَارِينُ:

اليَوْمَ: مفعول فيه و منصوب / أَمَلْتُ: فعل و فاعل آن «تُ» / لَكُمْ: جار و مجرور محللاً / أَمَمْتُ: فعل و فاعل آن «تُ» / عَلَيْكُمْ: جار و مجرور محللاً / نِعْمَةٌ: مفعول و تقديراً منصوب / ي: مضاف اليه و محللاً مجرور
 ۳- «إِذَا جَاءَ نَصْرَ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ ...»
 ☑ هنگامی که یاری خدا و پیروزی و گشایش بیاید و مردم را ببینی درحالی که به دین خدا درمی آیند
 إِذَا: مفعول فيه و محللاً منصوب / جَاءَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / نَصْرٌ: فاعل و مرفوع / اللَّهُ: مضاف اليه و مجرور / الْفَتْحُ: معطوف به فاعل و مرفوع / رَأَيْتَ: فعل و فاعل آن «تُ» / النَّاسِ: مفعول و منصوب / يَدْخُلُونَ: فعل و فاعل آن «و» جمله ی حالیه و محللاً منصوب / فِي دِينِ: جار و مجرور / اللَّهُ: مضاف اليه و مجرور /

کارگاه ترجمه:

* ترجمه ی درست تر و روان تر را انتخاب کنید:

۱- «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا.»

الف) خداوند با موسی سخن گفت سخن گفتنی. ب) خداوند با موسی، قطعاً سخن گفت.

☐ جواب: ب) در ترجمه ی مفعول مطلق تأکیدی از قیود تأکیدی: کاملاً، حتماً، قطعاً، بی شک و ... استفاده می کنیم.

كَلَّمَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (از باب تفعیل) / اللَّهُ: فاعل و مرفوع / مُوسَى: مفعول و تقدیراً منصوب / تَكْلِيمًا: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

۲- فاصبر صبراً جميلاً.

الف) صبری نیکو پیشه کن.

ب) به نیکی صبر کن.

☐ جواب: ب) در ترجمه ی مفعول مطلق نوعی، از قیود بیانی: به نیکی، بسیار، سخت، همچون ... مانند ... و استفاده می کنیم.

اصبر: فعل و فاعل آن «انت» مستتر / صبراً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / جميلاً: صفت و منصوب

۳- «و من يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.»

الف) و هر کس از خداوند و رسولش اطاعت کند پس بدون شک به رستگاری عظیمی دست می یابد.

ب) و هر کس خداوند و رسولش را اطاعت کند، رستگاری عظیمی را از آن خود کرده است.

☐ جواب: الف) در ترجمه ی مفعول مطلق باید از ترجمه ی این مصادر منصوب به صورت مفعول بیهیضم.

مَنْ: مبتدا و محللاً مرفوع (اسم شرط) / يُطِيعُ: فعل شرط و مجزوم به ساکن (حرف عله حذف شده است) / اللَّهُ: مفعول و منصوب / رَسُولٌ: معطوف

به مفعول و منصوب / ه: مضاف اليه و محللاً مجرور / فَ: حرف جواب شرط / قَدْ فَازَ: جواب شرط و محللاً مجزوم / فَوْزًا: مفعول مطلق نوعی و

منصوب / عَظِيمًا: صفت و منصوب / مجموع فعل شرط و جواب شرط، خبر و محللاً مرفوع است.

فی ظلال الدّعاء

در سایه سار دعا

إِقْرَأِ الدَّعَاءَ التَّالِيَّ وَ تَرْجَمَهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

دعای زیر را بخوان و آن را به فارسی ترجمه کن:

* إقرأ دعاء «شهر رجب» و ترجمه ی آن را به فارسی ترجمه کن:

* يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ آمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً، أُعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَ اصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أُعْطِيتَ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، يَا كَرِيمٌ ...

دعای «ماه رجب» را بخوان و آن را به فارسی ترجمه کن.

☑ ای کسی که او را برای هر خوبی می خواهیم (از او امید دارم) و هنگام هر شری از خشم آن در امنیتم. ای کسی که با کم، بسیار

می بخشند، ای کسی که به هر کس از او بخواهد عطا می کند، ای کسی که به کسی که از او نخواهد و کسی که او را نمی شناسد از

روی مهربانی و رحمت می بخشند. به من به خاطر درخواستم همه ی خوبی دنیا و همه ی خوبی آخرت را عطا کن و به خاطر درخواستم

از تو همه ی بدی دنیا و بدی آخرت را از من بازدار، پس آن چه تو عطا کنی بی نقص و عیب است (کم نمی شود) و از فضل خودت بر

من بیفزای! ای بخشنده ...!